

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۴

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۱۷

سال سوم، شماره ۹، تابستان ۱۳۹۳

طراحی الگوی برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه ساز؛ راهبردها و راهکارهای اجرایی آن

مسعود مرادی*

میرمحمد سیدکلان**

لیلا عیاری***

چکیده

این نوشتار که از نوع تحقیق بنیادی و با روش کیفی انجام شده، در پی ارائه الگوی مطلوب برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه ساز با راهبردها و راهکارهای اجرایی آن برای نظام تعلیم و تربیت کشور است. جامعه آماری این پژوهش، تفکرات و اندیشه‌های نوین در عرصه تربیت معنوی و برنامه درسی است که در قالب کتب، اسناد، مقالات، مجلات، متون و سایت‌های اینترنتی درباره مهدویت مطرح شده‌اند. نگارنده با مراجعه به این جامعه آماری، نمونه‌های مرتبط را به صورت عمدی و هدفمند گزینش کرده و با بررسی، تلخیص، تحلیل محتوا و نتیجه‌گیری از آن‌ها، به معرفی مبانی نظری (فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی) این برنامه درسی و عناصر آن (اهداف، محتوا، روش‌ها، شیوه‌های ارزشیابی) مبادرت ورزیده است که نتیجه آن، ترسیم الگوی پیشنهادی در راستای تربیت زمینه ساز برای متخصصان امر با راهبردها و راهکارهای اجرایی آن است.

واژگان کلیدی

الگوی برنامه درسی معنوی، تربیت زمینه ساز، عناصر برنامه درسی، مهدویت.

* استادیار دانشگاه محقق اردبیلی گروه علوم تربیتی اردبیل.

** دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی محقق اردبیلی، مدرس دانشگاه فرهنگیان اردبیل - نویسنده مسئول
(m.siedkalan@gmail.com)

*** دانش‌آموخته کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

مقدمه

امروزه وقتی از آسیب‌شناسی تربیت دینی صحبت می‌شود همه متخصصان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت اذعان دارند که درگام اول برای حصول اهداف و برنامه‌های تربیت دینی باید آسیب‌های پیرامون آن را شناخت^۱ (چراغ چشم، ۱۳۸۶: ۱۵۵)؛ چراکه براساس سخنان امام خمینی علیه‌السلام اساس عالم نیز بر تربیت انسان بوده است که اهمیت آسیب‌شناسی را در نظام جمهوری اسلامی دوچندان ساخته است. در این میان، حوزه مهدویت به عنوان یکی از حوزه‌های تربیت دینی از این امر مستثنی نبوده است.^۲ به سبب همین امر، می‌توان به فرموده امام موسی کاظم علیه‌السلام نیز استناد کرد که چشم‌انداز تربیت را مهدویت بنیان نهاده‌اند.^۳ از همه مهم‌تر، همواره این پرسش‌ها در ذهن صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، به‌ویژه آن‌هایی که دغدغه تربیت معنوی فرزندان این مرز و بوم را دارند بوده است که تربیت دینی و معنوی با چه روش‌هایی امکان‌پذیر است؟ بهترین و مؤثرترین روش در تربیت معنوی دانش‌آموزان کدام است؟ چرا عموماً آموزش‌های دینی، به تربیت معنوی دانش‌آموزان نمی‌انجامد؟ چرا درون‌دادهای دینی، برون‌دادهای معنوی تولید نمی‌کنند؟ چرا شعارهای دینی، باعث شعور معنوی نمی‌شوند؟ و شاید چندین چرای دیگر که در مجال این بحث نگنجد.

بنا بر اهمیت پرسش‌های یادشده، باید گفت تربیت دینی از دیرباز موضوع بحث و بررسی اندیشمندان تربیتی با دیدگاه‌های گوناگون فلسفی، علمی و دینی بوده است. همه متخصصان حوزه دین و تعلیم و تربیت بر این باورند که اگر افراد جامعه «زندگی» خود را بر مدار «دین» و «خداآواری» قرار دهند، سلامت و سعادت جامعه در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تضمین می‌شود (قاسم‌پور دهاقانی و جعفری، ۱۳۸۸: ۲۸). اما

۱. آسیب‌های پیرامون تربیت دینی که برای مدارس شناسایی شده‌اند عبارت‌اند از: بی‌توجهی به عواطف برای انتقال باورهای دینی، پرداختن به جنبه‌های رفتاری تربیت دینی به جای جنبه‌های معرفتی، بهره‌مند نشدن از معلمان متخصص و متدین در امر تربیت دینی، نداشتن برنامه‌درسی جامع تربیت دینی و معنوی در تمامی سنین دانش‌آموزان، کارایی ضعیف مربیان قرآن و عدم توان‌مندی بالای آنان در امر تدریس، استفاده نکردن از وسایل کمک‌آموزشی در تربیت دینی و... (چراغ چشم، ۱۳۸۶: ۱۵۷ - ۱۶۶).

۲. این آسیب‌ها در بُعد رفتاری و اجتماعی مهدی‌باوران بیشتر مشهود است که عبارت‌اند از: نمادگرایی افراطی، ابزارانگاری مهدویت‌گرایی (استفاده ابزاری از نام و یاد حضرت برای منافع دنیوی)، قشری‌گری، ارتباط گسسته و مقطعی، روابط اجتماعی ناسالم مهدی‌باوران، تقدس‌گرایی، غلبه رویکرد عاطفی و ضعف در رویکرد معرفتی، تناسب نداشتن سطح معارف مهدی‌باوران با عصر حاضر (بیاری، ۱۳۸۷: ۱۴۳ - ۱۵۹).

۳. «السَّيِّعَةُ تُرَبِّي بِالْأَمَانِيِّ؛ شیععه با امید و آرزو تربیت شده است» (کلینی، بی‌تا: ج ۱، ۳۶۹).

ضمانت اجرا و تحقق این هدف مهم، مشروط به برنامه‌ها و روش‌ها و به طور کلی، نظام تعلیم و تربیت دینی جوامع است که باید در قالب اهداف، محتوا، روش‌ها و شیوه‌های ارزشیابی، تحت الگویی در برنامه درسی نظام‌های آموزشی پیاده شود. این مسئله (ضمانت اجرایی) در حالی است که متولیان نظام تعلیم و تربیت و فرهنگ کشور (۱۷ سازمان متولی فرهنگی کشور) هر یک مطابق با سلیقه‌های خود محورانه نتوانسته‌اند آن طور باید، در این امر مهم سهیم شوند و آموزش و پرورش کشور نیز نتوانسته برون داده‌های معنوی مطابق با فرهنگ انتظار^۱ تحویل جامعه دهد. شاید عدم تحقق این امر به گفته برخی از بزرگان دینی کشور، عامل نبودن متولیان فرهنگی کشور به امر پرورش باشد!

بنابراین آسیب‌های موجود در عرصه تربیتی کشور، بر خود لازم دیدیم الگویی را با عنوان برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه‌ساز با راهبردها و راهکارهایی اجرایی آن برای نظام آموزش و پرورش کشور ترسیم کنیم؛ شاید بیش از اندازه شاهد آسیب‌های معرفتی و فرهنگی موجود در این حوزه نباشیم و موانع چشم‌انداز بحث انتظار را پیش‌تر حل کنیم.

مفهوم‌شناسی

مفهوم تربیت و انواع آن

مشغولیت‌های انسان کنونی و نوع تربیت او از سوی سیستم‌های رسمی تعلیم و تربیت، انسان را به سمت دور شدن از حقیقت وجودی خویش سوق داده است، به طوری که امروزه شاهد وقوع نابسامانی‌های ناشی از این امر در سطح فردی و اجتماعی هستیم. قلمرو تعلیم و تربیت، مهم‌ترین بستری است که می‌تواند در تحقق یافتن معنویت در زندگی انسان‌ها، نقشی مؤثر ایفا کند. این امر در دهه اخیر، زمینه‌ساز ظهور رویکردی جدید در تربیت به نام تربیت معنوی شده است (اشعری، ۱۳۸۷: ۱۰). پیش از پرداختن به مفهوم تربیت معنوی، باید مفهوم

۱. براساس پژوهش مرزوقی (۱۳۸۷) که با استفاده از تحلیل محتوای کمی به بررسی اهداف کلی و اصول مندرج در طرح کلیات آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، اهداف آموزش و پرورش در دوره‌های سه‌گانه ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مصوب شورای عالی آموزش و پرورش و کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی، فارسی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی، کتب فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی، تعلیمات اجتماعی و فارسی دوره راهنمایی و کتب قرآن و تعلیمات دینی و دانش اجتماعی دوره متوسطه پرداخته شده است، در منابع مزبور توجه نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده در حوزه هدف‌گذاری و تدوین محتوا درباره گسترش تفکر مهدویت وجود ندارد.

تربیت، تربیت اخلاقی، تربیت عرفانی و تربیت دینی را مشخص کنیم^۱ تا بتوانیم در زمینه تربیت معنوی به طور مفصل بحث نماییم.

بر اساس متون دینی اسلام، تربیت به معنی ربوبی شدن آدمی است و این ربوبی شدن نیز دربردارنده سه عنصر شناخت، انتخاب و عمل است و نشان‌گر روندی است که فرد، تنها با روشن بینی عقلانی، تصمیم و استقامت در عمل می‌تواند آن را طی کند. به این ترتیب، ربوبی شدن آدمی باید سبب شکل‌گیری شخصیتی محکم و با کفایت شود (قاسم‌پور دهاقانی و جعفری، ۱۳۸۸: ۳۲). در واقع، با این تعریف مراد از تربیت ربوبی شدن و ربوبی ساختن آدمی است که با دین پیوند ناگسستنی دارد.

تربیت، دارای هشت زمینه و ساحت است. به عبارت دیگر، هشت نوع تربیت وجود دارد: تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت عرفانی، تربیت اجتماعی، تربیت جنسی، تربیت عاطفی، تربیت عقلانی و تربیت بدنی (بهشتی، ۱۳۸۸: ۲۴). با توجه به تعاریف ارائه شده از دین و تربیت، این‌گونه می‌توان گفت که تربیت دینی جزئی از تربیت در معنای عام نیست؛ بلکه غایت تربیت یا تربیت مطلوب محسوب می‌شود؛ زیرا هدف نهایی تربیت آن است که متری خوبی را ربوبی سازد. بنابراین تربیت مطلوب همان تربیت دینی است. از همین روست که برخی معتقدند تربیت دینی به معنای اعم محدود به مسائل اعتقادی، معنوی یا اخلاقی نمی‌شود، بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی دربر می‌گیرد و در یک کلام، شخصیت انسان را پوشش می‌دهد (زارعان، ۱۳۷۹: ۲۲). یا این‌که ارائه و یاد دادن مجموعه گزاره‌ها و رفتارهای آگاهانه و هدف‌دار مربوط به دین، به گونه‌ای که افراد در زندگی و رفتار خود به آن آموزه‌ها متعهد و پای بند شوند (بهشتی، ۱۳۸۸: ۲۴) و در نهایت باید گفت تربیت دینی قلمرویی وسیع دارد، به طوری که تمام شئون زندگی انسان را دربر می‌گیرد.^۲

۱. با این‌که بین سه مفهوم تربیت اخلاقی، معنوی و دینی ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد، اما می‌توان گفت پله نخست تربیت، تربیت اخلاقی است و هدف غایی تربیت اخلاقی، تربیت معنوی است و هدف غایی تربیت معنوی، تربیت دینی است. بنابراین، بالاترین درجه تربیت، تربیت دینی است (سلحشوری، ۱۳۹۰: ۵۴). همچنین مراد از تربیت معنوی، تربیتی جامع و دربرگیرنده تربیت دینی، اخلاقی و عرفانی است (بهشتی، ۱۳۸۸: ۲۴). به نظر نگارنده نیز بالاترین درجه تربیت، تربیت دینی است که می‌تواند تربیت اخلاقی و عرفانی همچنین معنوی را در انسان تجلی بخشد و مراد از تربیت زمینه‌ساز، همان تربیت معنوی است که در تربیت دینی محقق خواهد شد.

۲. تربیت دینی را می‌توان در قالب: الف) تربیت دینی درباره ارتباط انسان با خدا؛ ب) تربیت دینی درباره ارتباط انسان

اما مفهوم تربیت اخلاقی به تازگی در دنیا رایج شده و پیش از این، کاربرد مشهور و معروف آن، تهذیب نفس و تزکیه اخلاقی بوده است و به موجب ورود اندیشه‌های تربیتی متفکران غربی در جامعه اسلامی، اصطلاح تربیت اخلاقی نیز رفته‌رفته شهرت یافته است. مقصود از تربیت اخلاقی، فراهم کردن زمینه و بستری برای ایجاد، تقویت و شکوفایی صفات متناسب با خودِ ملکوتی و اصلاح و از بین بردن صفات خودِ حیوانی است (سلحشوری، ۱۳۹۰: ۵۴). علامه مصباح یزدی، با مفروض گرفتن انواع تربیت‌های موجود در جامعه و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، تربیت اخلاقی را این‌گونه تعریف می‌کند:

تربیت اخلاقی برنامه ریزی برای رشد اخلاق متربیان، دانشجویان و دانش‌آموزان در جهت مطلوب اسلام است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۲۶)

مقصود از تربیت عرفانی نیز این است که آدمی در راه پرورش توانایی‌های باطنی خویش، از مراتب پست و حضیض دنیای حس و ماده عبور کرده و از چنگ نفس اماره رهایی یابد و ایمان و اخلاص و عشق به خدا را تجربه کند؛ هم‌زمان با پیمودن منازل، حالات و مقامات، جذبه‌ها، نفعه‌ها و حالات روحانی را دریابد و به فنای فی‌الله و بقای بالله باریابد (بهشتی، ۱۳۸۸: ۲۴). در نهایت باید گفت وقتی از تربیت صحبت می‌شود، انواع تربیت، روش‌ها و رویکردهای آن در ذهن تجسم می‌یابند و با توجه به انواع تربیت، بزرگان دینی «تربیت دینی» را اولی‌تر دانسته‌اند. بیشتر مکاتب مختلف روان‌شناسی معمولاً بر دو بُعد مختلف در روح انسان تکیه کرده‌اند: بُعد شناختی و بُعد عاطفی. بسیاری نیز این نظر را می‌پسندند که بگوئیم روح سه بُعد اصلی دارد: بینش، گرایش و کنش. منظور از کنش نیز همان اراده‌کار (عمل) است. بینش مربوط به شناخت و گرایش نیز مربوط به احساسات و عواطف است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۲۹). این تقسیم‌بندی در همه انواع تربیت مشهود است؛ اما در تربیت دینی که نسبت به سایر انواع تربیت برتر است، بیشتر نمود پیدا خواهد کرد. از همه مهم‌تر آن‌چه در این نوشتار، درباره تربیت مدنظر است، تربیت معنوی (تربیت زمینه‌ساز) است که می‌تواند انتظار سازنده در زمان غیبت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ش را فراهم سازد.

مراد از تربیت زمینه‌ساز، تربیتی است که زمینه‌ها و شرایط لازم برای ولایت و حکومت امام را

با خود؛ (ج) تربیت دینی درباره ارتباط انسان با دیگران؛ (د) تربیت دینی درباره رابطه انسان با جهان بررسی کرد (نوروزی و بدیعیان، ۱۳۸۸: ۹۴).

در فرد و جامعه فراهم می‌آورد. این تعریف در واقع همان تعریف تربیت دینی (اسلامی) است که بر ارتباط اهداف آن با امام و ولایت او تأکید می‌کند. تربیت اسلامی می‌خواهد از انسان - که سرشار از استعدادها و توانایی‌هاست و کشش‌های متفاوتی در او کارگراست - موجودی بسازد که از این کشش‌ها آزاد شده و بر آن‌ها حاکم شود و بهترین محبوب‌ها را برگزیند.

مفهوم تربیت معنوی

مفهوم «تربیت معنوی» در میان کسانی که درصدد تبیین این مفهوم برآمده‌اند، دارای معانی مختلفی است. این تنوع آرا به دلیل وجود معناهای گوناگون، به ترکیب «تربیت معنوی»، معنای خاصی می‌بخشد و در شکل‌گیری چرایی و چگونگی آن، تفاوتی ماهوی ایجاد می‌کند. هند^۱ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «معنا و مفهوم تربیت معنوی»، سعی کرده است تحلیلی فلسفی از مفهوم تربیت معنوی ارائه دهد که حاصل آن یک نظام طبقه‌بندی منطقی از ترکیب کلمات معنویت و تربیت شکل داده و سرانجام، چهار معنا را برای تربیت معنوی بیان کرده است: ۱. تربیت بر اساس اصول معنوی؛ ۲. تربیت روح انسان؛ ۳. تربیت در یک فعالیت معنوی؛ ۴. تربیت در یک گرایش یا حالت معنوی. بدین ترتیب، تربیت معنوی - که در بُعد شناختی بر بینش‌ها، در بُعد عاطفی بر گرایش‌ها و در بُعد عملی بر فعالیت‌های خاص استوار است - در همه ابعاد زندگی انسان، تأثیر می‌گذارد و به نظر می‌رسد تربیت معنوی به لحاظ گفتمان عصر معنویت‌گرایی بیش از سایر عناوین تربیت مدنظر قرار می‌گیرد و در قالب تربیت دینی بیشتر نمود پیدا خواهد کرد.

مفهوم برنامه درسی

«برنامه درسی» به محتوای رسمی و غیررسمی، روش و آموزش‌های آشکار و پنهانی اطلاق می‌گردد که به وسیله آن‌ها، شاگردان تحت هدایت مدرسه، دانش لازم را به دست آورند، مهارت لازم را کسب کنند و گرایش و ارزش‌ها را در خود تغییر دهند (ملکی، ۱۳۸۹: ۱۵).

مفهوم برنامه درسی معنوی

برنامه درسی معنوی، نوعی از برنامه درسی است که خواهان رسیدن به سطوح بالاتر آگاهی و معنا دار کردن زندگی است. در جریان مطالعه مراحل رشد عقلانی، اخلاقی و جسمانی دریافته‌ایم که باید به مطالعه سطوح و مراحل آگاهی معنوی بیشتر بپردازیم (قاسم‌پور

دهاقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰: ۸۰). بنا بر نظر برتراند^۱ (۱۹۹۵) از یک نظر، برنامه‌ی درسی معنوی زمینه‌هایی را می‌آفریند که ضمن آگاهی نسبت به دنیای پیرامون خود آن چنان با یکدیگر مرتبط می‌شویم که گویی همه عضو از یک دنیای پهناوریم؛ تنها در این صورت است که برای زندگی تغییر می‌کنیم.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در این باره صورت گرفته است که همگی توصیفی از تربیت معنوی را مدنظر قرار داده‌اند. پژوهشی با عنوان «تربیت معنوی کودک» در مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان به وسیله حسین زاده (۱۳۸۷) صورت گرفته است که تربیت معنوی کودک را به مثابه پرورش ایمان، سجایای اخلاقی و عواطف در کودک شمرده است که شرایط و بستر لازم دینی را طلب می‌کند. در پژوهشی دیگر، اشعری (۱۳۸۷) به بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی با تأکید بر آرای علامه طباطبایی پرداخته است. بر اساس یافته‌ی وی، تربیت معنوی در جهت‌دهی به فرایند تجرّد آدمی در راستای فطرت ربوبی او معنا می‌یابد. اهداف تربیت معنوی، دارای سه جنبه شناختی، گرایشی و فرایند عمل است. در این پژوهش، ۱۱ اصل و روش‌های آن‌ها در جهت تحقق اهداف تربیت معنوی به دست آمده است. همچنین برزویی (۱۳۸۴) در پژوهشی با نام «تربیت معنوی در صحیفه‌ی سجادیه» این کتاب را به عنوان یکی از منابع متون غنی اسلام برای خودسازی و تکامل واقعی بشری در راه تحقق تربیت معنوی دانسته است. دهقان (۱۳۷۱) نیز در پژوهشی به تربیت معنوی و عقلانی انسانی از دیدگاه قرآن کریم پرداخته است که تربیت معنوی را با تزکیه روح مساوی قلمداد کرده و اهداف تربیت معنوی را پرورش روح ایمان و عمل صالح، یاد خدا، توبه، نیایش، داشتن حالت خوف و رجاء و قرب به خدا را نهایی‌ترین هدف تربیت معنوی شمرده است. در نهایت قاسم پوردهاقانی و نصر اصفهانی (۱۳۹۰) در تحلیل رویکرد معنوی و برنامه‌ریزی درسی ضمن بحث از ماهیت معنویت و عوامل آن، از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف و نیز تشریح معنویت و نشان‌گرهای آن از نظر قرآن، عناصر الگوی برنامه‌ی درسی معنوی را با وضعیت و مبانی دین اسلام سازگار دانسته است.

بنابراین محقق نیز با توجه به تحقیقات گذشته - که هر کدام از جنبه‌های مختلف به این

1. Bertrand

امر پرداخته‌اند - در پی آن است که ویژگی‌های یک برنامه‌دستی معنوی را در قالب الگویی برای تربیت زمینه‌ساز پیشنهاد دهد که در راستای ترویج و اشاعه فرهنگ انتظار مؤثر واقع شود.

اهداف پژوهش

هدف کلی: هدف از این پژوهش، طراحی الگوی مطلوب برنامه‌دستی تربیت معنوی در راستای تربیت زمینه‌ساز برای دانش‌آموزان در مقطع متوسطه (اول و دوم) کشور است.

اهداف ویژه:

۱. معرفی مبانی و تئوری‌های برنامه‌دستی مرتبط با تربیت معنوی دانش‌آموزان در راستای تربیت زمینه‌ساز؛
۲. تبیین ابعاد شناختی، عاطفی و عملی برنامه‌دستی تربیت معنوی برای دانش‌آموزان در راستای تربیت زمینه‌ساز؛
۳. پیشنهاد و ارائه عناصر برنامه‌دستی تربیت معنوی در قالب: الف) اهداف، ب) محتوا و سازمان‌دهی آن، ج) روش‌ها (راهبرد یاددهی - یادگیری)، د) شیوه‌های ارزشیابی.

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و از راه فیش‌برداری و یادداشت، ابتدا داده‌های لازم گردآوری می‌شود و سپس به تفسیر داده‌ها می‌پردازیم. در مرحله بعد، داده‌های گردآوری شده طبقه‌بندی و خلاصه می‌شوند، آنگاه تشابهات و تفاوت‌ها مورد بررسی قرار گرفته و به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده می‌شود.

ابزار گردآوری داده‌ها: در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از روش سندکاوی استفاده شده است. بر این اساس، همه کتاب‌ها، مدارک، اسناد، پایگاه‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های در دسترس پژوهش‌گر - که به بررسی این مفاهیم پرداخته‌اند - مورد مطالعه قرار گرفته و از آن‌ها فیش‌برداری شده است.

یافته‌های پژوهش

بر اساس سؤالات و اهداف پژوهش حاضر، یافته‌های مورد نظر برای طراحی الگوی برنامه‌دستی تربیت معنوی دانش‌آموزان در راستای تربیت زمینه‌ساز - که از متون تخصصی، نشریات، مجلات، اینترنت و... ذکر شده - به شرح ذیل است:

بررسی هدف ویژه اول پژوهش

هدف ویژه اول، معرفی مبانی و تئوری‌های برنامه‌دستی مرتبط با تربیت معنوی دانش‌آموزان در راستای تربیت زمینه‌ساز است.

در بیان این‌که تئوری برنامه‌دستی معنوی کدام‌ها هستند، شکی نیست که برنامه‌ریزان درسی دول غربی، کتاب‌ها و مقالات متعددی در این باره نوشته‌اند. اما می‌توان گفت تئوری‌های مرتبط با تربیت معنوی - آن هم از دیدگاه اسلامی که مبتنی بر تربیت زمینه‌ساز باشد - در حالت کلی از دو دیدگاه سرچشمه می‌گیرند که عبارت‌اند از:

الف) دیدگاه طبیعت‌باورانه

از این دیدگاه، گونه‌هایی خاص از زندگی در عالمی صرفاً مادی برای معناداری می‌تواند کافی باشد و به حضور خداوند یا روح برای این امر نیازی نیست. بنابراین، هدف از زندگی، به همین عالم خاکی محدود است و معنابخشی به آن نیز از همین جهان سرچشمه می‌گیرد. نیهلیسم‌ها بیشتر طرف‌دار این دیدگاه هستند. نیهلیسم به معنای نیست‌انگاری، هیچ‌گرایی، پوچ‌گرایی و نفی ارزش‌های مثبت است و از ارکان تمدن غرب و دنیای مدرن و صفت ذاتی آن به شمار می‌آید.

ب) دیدگاه فراطبیعت‌باورانه

نظریه‌های فراطبیعت‌باورانه به خدامحوری و روح محور تقسیم می‌شوند. از آن‌جا که نظریه روح محور بررسی نمی‌شود، تنها به دیدگاه خدامحور می‌پردازیم و تنها تحقق هدف خدا به دست انسان، سرچشمه معنای زندگی او می‌تواند باشد. بنابراین، آن‌چه به زندگی معنا می‌دهد، امور فراطبیعی و در یک نظر جامع، دین و باورهای دینی است؛ زیرا در ذات بینش دینی، ایمان به این است که در جهان طرح و هدفی وجود داشته و جهان یک نظام اخلاقی باشد و در پایان همه چیز به خوبی و خوشی تمام شود. از این‌رو پذیرش حیات پس از مرگ و رسیدن انسان به رستگاری ابدی، پذیرش موجودی ابدی و متعالی که بر زندگی انسان ناظر است و دین و باورهای دینی، نگرانی انسان از بی‌معنایی را می‌کاهد (محمدی منفرد، ۱۳۸۷: ۷۰).

از آن‌جا که فلسفه انتظار از جمله ارزشمندترین و سرنوشت‌سازترین سرمایه‌های اجتماعی و معنوی است که باید ضمن صیانت از آن، به گسترش و فرهنگ‌سازی برای انتقال مطلوب و مناسب آن به نسل جدید اقدام کرد. از این منظر، تلاش برای نهادینه‌سازی این باور، وظیفه‌ای

دینی و الهی است که باید درحوزه تعلیم و تربیت مورد توجه قرارگیرد (مرزوقی، ۱۳۸۷: ۱۳۰). از سوی دیگر، فلسفه تربیت زمینه‌ساز نیز نوعی «پداگوژی انتظار» است که باید از طریق آن، فراگیران را هدایت کرد تا نظامی آرمانی و الهی را - که رهبری آن از سوی یک انسان کامل و خلیفه واقعی خداوند است - بشناسند و برای تحقق آن تلاش کنند. پداگوژی یا نظریه عملی تربیتی انتظار، نوعی پداگوژی و تعلیم و تربیت رهایی‌بخش و انقلابی است که می‌تواند انسان را از سلطه نیروها و امیال درونی، و نیروها و موانع بیرونی بازدارنده تعالی فرد و جامعه رهایی بخشد. از این رو این نوع پداگوژی باید نسل نو و کودکان و نوجوانان را به گونه‌ای تربیت کند که با اصلاح و تغییر واقعیت‌ها، وضعیت لازم را برای ظهور مصلح الهی و منجی جهانی آماده سازند.

افزون بر نظریات کل‌گرایانه درباره تربیت معنوی، باید گفت در برنامه درسی ملی نیز به هفت جنبه مباحث نظری اشاره شده است که از این جنبه‌ها، مبانی فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آن - که در برنامه درسی بیشتر نمود پیدا می‌کنند - بررسی می‌شوند.

در تبیین مبانی فلسفی، بر ارزش‌ها و معارف اسلام ناب محمدی ﷺ و همچنین بر نقش مدرسه به عنوان جلوه‌ای از تحقق مراتبی از حیات طیبه و زمینه‌ساز جامعه عدل مهدوی ﷺ (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۷) تأکید بسیاری شده است. نظام فلسفی بنا به اعتقاد مکتب اسلام، چارچوبی کلی و منسجم از نگاه انسان نسبت به عالم هستی (رابطه با خدا)، انسان (رابطه با خویشتن)، دیگران (رابطه با خلق خدا) و طبیعت (رابطه با جهان خلقت) در سایه ساحت‌های تربیتی مانند عناصر تعقل، ایمان، علم و عمل و اخلاق را فراهم می‌سازد (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۵۷).

در تبیین مبانی روان‌شناختی، به طرح مهم‌ترین گزاره‌های کاربردی روان‌شناسی در برنامه‌ریزی درسی اشاره شده است؛ از شخصیت آدمی گرفته - که نظام به هم پیوسته و یک‌پارچه‌ای متشکل از خرده‌نظام‌های شناختی، عاطفی، ایمانی، اخلاقی و تجارب عملکردی انسان را دربر می‌گیرد - تا رشد اخلاقی، رشد تفکر، رشد ایمانی و علایق و نیازهای متربیبان.

همچنین در تبیین مبانی جامعه‌شناختی - که عمدتاً برگرفته از مبانی جامعه‌شناختی مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش است - بیشتر به طرح گزاره‌هایی در ارتباط با کاربرد یافته‌های جامعه‌شناسی در برنامه‌ریزی درسی اشاره شده است؛ این که جامعه دارای روح جمعی متأثر از اندیشه‌ها، انگیزه‌ها، عاطفه‌ها، رفتارها و خواسته‌های افراد است. هم‌سویی و

هماهنگی جامعه با نظام قانون مند هستی و سنت‌های الهی و درکل، تربیت افرادی جامعه‌پذیر و اصلاح‌هنجارهای نامطلوب در جامعه از جمله اهداف برنامه‌های درسی معنوی به شمار می‌آیند؛ به طوری که اصلاح و ارتقای فرهنگ جامعه یکی از مهم‌ترین رسالت‌های برنامه درسی بوده است (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۵۳ - ۶۸).

بررسی هدف ویژه دوم پژوهش

هدف دوم، تبیین ابعاد شناختی، عاطفی و عملی برنامه درسی تربیت معنوی دانش‌آموزان در راستای تربیت زمینه‌ساز است.

در تبیین بُعد شناختی تربیت معنوی، باید گفت مسئله امامت از دو جهت بررسی می‌شود: نخست، جنبه هدایت‌گری امام و نقش آن در معنای زندگی و دوم، ره‌آورد‌های باورداشت امام در نفی پوچ‌گرایی و نیست‌گرایی و بدبینی به دنیا.

برای تبیین جهت نخست، ذکر چند مقدمه ضرورت دارد:

۱. هدف از آفرینش انسان آن است که آدمی با اختیار خویش مسیر تکامل و تعالی و قرب الهی را بپیماید و به هدف متعالی الهی دست یابد و بدین‌سان فرجامی نیک برای خویش فراهم آورد.

۲. تنها اختیار و اراده آدمی برای رسیدن به این هدف متعالی کفایت نمی‌کند؛ بلکه انسان نیازمند است انتخابی آگاهانه و آزادانه داشته باشد و فراز و نشیب و لغزش‌گاه‌های این راه را بشناسد؛ زیرا زمانی مسیر طی می‌شود که خوب شناخته شود و چنان‌چه از پیچ و خم‌های آن غفلت شود، آدمی به بی‌راهه می‌رود که سرانجامش تباهی است.

۳. خداوند شناخت‌هایی عادی همانند حس و عقل را در اختیار انسان قرار داده که در تأمین نیازهای این جهانی بشری نقشی اساسی دارند، ولی به تنهایی راه سعادت و کمال را به انسان نمی‌تواند نشان دهند و دانش بشری به تنهایی برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی آدمی نارساست (محمدی منفرد، ۱۳۸۷: ۷۲).

بنابراین، امام اندوخته و ذخیره الهی است که با معرفت واقعی به حقایق الهی و معالم ربوبی و حیات دنیوی، رسالت مهم خویش را در ره‌اندیدن بشر از گمراهی و حرکت آنان به شاه‌راه سعادت و تکمیل ذات آدمی در رسیدن به هدف و کمال نهایی می‌داند. این امر، چشم‌انداز معرفت شناختی خاصی در برابر انسان می‌گشاید که در سایه تربیت معنوی او حاصل می‌شود.

از این رو لازم است افزون بر پیش نیازهای شناختی، به درونی کردن معرفت حاصل از امام نیز به لحاظ گرایش‌های معنوی پرداخت؛ چراکه با توجه نسبت به این بخش با سمت و سو دادن الهی به جنبه معرفتی، راه‌های گوناگون رابطه با خدا و پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام نیز آگاهانه شهود پیدا خواهند کرد.

در تبیین بُعد عاطفی تربیت معنوی نیز - که برگرایش‌ها تأکید دارد - انسان در زندگی، علاوه بر ارتباط دائمی با خویش، جهان پیرامون و هم‌نوعانش را می‌شناسد و بسته به نوع تربیتش، در همه این امور، از اسلوبی خاص پیروی می‌کند. رویکرد تربیتی انتظار - که دلالت‌های متعدد و مشخصی برای برنامه‌های آموزشی و درسی، به ویژه برنامه درسی تربیت دینی دارد - در تبیین بُعد عاطفی متربیان می‌تواند مؤثر واقع شود. برنامه‌ها باید بتواند ضمن انتقال دانش، نگرش و رفتار و آمادگی‌های فردی و اجتماعی افراد را در تحقق اهداف آرمانی فلسفه انتظار افزایش دهد؛ زیرا تحقق چنین هدف و رسالتی بزرگ - که آرمان الهی خلقت و نظام آفرینش تلقی می‌شود - نیازمند کسب آمادگی‌های تربیتی و پرورش انسان‌های آگاه، مصمم، عمیق و دارای فضایل اخلاقی و معنوی است. به همین دلیل، انتظار نقش بسیار مهمی در تربیت، خودسازی، تحرک و امید و نوید خواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). در گرایش کودکان، نوجوانان و جوانان به معنویات، سه عنصر اصلی خانه، مدرسه و رسانه‌های گروهی نقشی اساسی و محوری دارند. تربیت و آموزش، انتقال اطلاعات نیست؛ بلکه تغییر در جهان بینی است. هیچ تربیت و آموزشی بدون زمینه‌سازی، موفق نمی‌شود. اگر مجموعه عناصر و عوامل تأثیرگذار در ارسال یک پیام ارزشی، از وحدت و هماهنگی لازم در عمل برخوردار نباشند، نمی‌توانند مؤثر واقع شوند و چه بسا آثار یکدیگر را خنثی کنند.

همچنین در تبیین بُعد عملی تربیت معنوی - که بر فعالیت‌های خاص استوار است - می‌توان گفت کسی که چنین اصولی را سرلوحه زندگی خویش قرار می‌دهد و مسیر زندگی را با اهداف الهی و معنوی می‌پیماید، ویژگی‌های شخصیتی، عادات و تمایلات معنوی و همچنین فعالیت‌های معنوی او جنبه رضایت‌بخش توأم با رضایت حق تعالی خواهد بود.

بررسی هدف ویژه سوم پژوهش

هدف سوم، پیشنهاد عناصر برنامه درسی تربیت معنوی در راستای تربیت زمینه‌ساز است. برنامه درسی معنوی، تحقق معنویت از طریق فرایند طراحی برنامه درسی است. طراحی

برنامه درسی، نقشه‌ای است که عناصر شکل‌گیری آن عبارت‌اند از:
الف) طراح برنامه درسی، درباره تعلیم و تربیت انسان چه نظری دارد؟
ب) چگونگی بیان طرح‌ها به چه صورت خواهد بود؟

طرح برنامه درسی از تعدادی عناصر وابسته به هم ایجاد شده است و شامل آن چه طراح می‌خواهد انجام شود (هدف)، چه موضوعاتی می‌خواهد به کار ببرد که فرایند را به انجام رساند (محتوا)، چه راهبردهای آموزشی را به کار می‌گیرد (روش تدریس) و چگونه موفقیت طرح را تعیین می‌کند (ارزشیابی) است (طالبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴).

الف) اهداف برنامه درسی معنوی

برای تعیین هدف‌های برنامه درسی، منابع اطلاعاتی متعددی مطالعه می‌شود. از جمله اساسی‌ترین منابع تعیین اهداف برنامه درسی، می‌توان به فلسفه تعلیم و تربیت، روان‌شناسی تربیتی، یادگیرنده، جامعه و دانش اشاره کرد. درباره طبقه‌بندی اهداف نیز طرف‌داران رویکردهای مختلف برنامه درسی نظریات گوناگونی ارائه کرده‌اند. برای مثال، آیزنر اهداف را به سطوح آرمانی، کلی و آموزشی (تربیتی) طبقه‌بندی می‌کند (همو: ۴۹). هدف اصلی برنامه‌ریزی درسی معنوی، ایجاد وضعیتی است که از طریق آن فراگیران به سطوح عالی آگاهی و معنادار کردن زندگی خویش دست یابند، به طوری که به زمینه‌سازی حکومت مهدوی ختم به خیر شود.

اهداف برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه‌ساز و موضوع اصلی آن (انتظار) - که رشد و تکامل روحی و نفسانی انسان است - و تمامی حقایق وجودی او که به شکلی در این مسیر مؤثرند به منزله «ارزش» تلقی می‌شوند. برای این اساس می‌توان گفت از منظر اسلامی، تحقق مراتب ارزش (حیات طیبه) در همه ابعاد، غایت مشترک تمامی نهادها و عوامل اجتماعی و مقصود نهایی همه فعالیت‌های فردی و جمعی افراد اجتماع برای حرکت در مسیر کمال شایسته انسان (قرب الی الله) است. بنابراین فراگیران باید به گونه‌ای تربیت شوند که فراگیری علوم و کشف حقایق را از وجوه قرب الی الله تلقی کنند.

به طور خلاصه باید گفت غایت اصلی تربیت معنوی، رسیدن به نشان‌گرهای معنوی (تبلور فرهنگ انتظار در جامعه) است. برای رسیدن به این غایات، باید محتوا و روش‌های مناسبی اختیار کرد که به سبب آن، بعد معنوی در کنار سایر ابعاد وجود انسان پرورش یابند.

ب) محتوای برنامه درسی معنوی

نخستین گام برای تحقق اهداف برنامه درسی، انتخاب محتوای مناسب و مطلوب است. برخی تصور می‌کنند رشد معنوی افراد از طریق درس خاصی همچون تعلیمات دینی امکان‌پذیر است. این درحالی است که همه دروس آموزشی توان پرورش بُعد معنوی افراد را دارند (Meehan, 2002: 18)، به ویژه اگر در راستای تربیت زمینه‌ساز صورت پذیرد؛ مسئله انتظار، مسئله‌ای سرشار از حس مسئولیت است که هر انسانی را به شوق وامی دارد. ملکی (۱۳۸۲: ۴۹) در تعریفی، محتوا را به سه بخش تقسیم می‌کند:

۱. دانش: مانند حقایق، تبیین‌ها، اصول و تعاریف؛

۲. مهارت‌ها و فرایندها: مانند خواندن، نوشتن تفکر و ارتباط؛

۳. ارزش‌ها: مانند اعتقاد به خوبی و بدی، زشتی و زیبایی.

برای طراحی محتوای برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه‌ساز همواره باید تمامی مسائل مترجمان را در نظر گرفت؛ مسئله‌ای که اهمیت آن در تربیت معنوی انسان‌ها می‌تواند هم شگفتی بیافریند و هم مخرب باشد. به نظر می‌رسد این مسئله ابعادی گسترده دارد که تمامی عوامل مدرسه را درگیر خواهد کرد و علاوه بر آن، سایر متولیان فرهنگی کشور نیز باید در تحقق این امر بسیج شوند.

هدف اجرای چنین محتوایی، تعالی روح انسانی مترجمان از طریق فعالیت‌های مربوط به تزکیه روح است. بنابراین می‌توان گفت در محتوای برنامه درسی معنوی زمینه‌ساز باید شاخص‌های زیر در نظر گرفته شود تا به معنویت مورد نظر در راستای تربیت معنوی دست یافت. البته با در نظر گرفتن اصول و معیارهای تعیین محتوا:

۱. دیدگاه اسلامی درباره خالق (توحید، ایمان و ارتباطات معنوی)؛

۲. آفرینش بشر و هدف او؛ مانند پرستش خدا، جانشین خدا بر زمین بودن، گسترش اسلام و...؛

۳. ارتباط انسان با خالق؛ یعنی معرفت ربوبی، التزام عملی در برابر خداوند، انجام رفتارهای خوب، پرستش و تضرع به درگاه خداوند؛

۴. ارتباط انسان با دیگران که باعث نشر عدالت شود؛ توجه داشتن به زندگی و شأن و مقام انسان، رشد اخلاق (منش) و نشان دادن بردباری دینی؛

۵. روابط انسان با محیط، به گونه‌ای که بر نقش انسان به عنوان جانشین خدا تأکید شود

و انسان هماهنگ با سایر مخلوقات خداوند کار کند و خداوند را از طریق مخلوقاتش تشخیص دهد یا کشف کند؛

۶. رشد خود، به گونه‌ای که زمینه لازم را برای اصلاح خود و کسب تجربه از اشتباهات گذشته فراهم سازد؛

۷. سرنوشت و تقدیر انسانی؛ یعنی بالا بردن احساس مسئولیت با ارزیابی نقش خود، درک روز گذشته و روز بعد از آن و دلالت‌های موجود در این روزها؛

۸. رشد یک سری از عادات اسلامی که به عمل اسلامی بینجامد (کشاورز، ۱۳۸۱: ۱۰۵؛ قاسم‌پور دهاقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰: ۸۵).

ج) اجرا و آموزش برنامه درسی

هرجا از انتقال محتوای برنامه درسی به فراگیران سخن به میان می‌آید، بی‌درنگ بحث آموزش و اجرا به دنبال آن خواهد آمد. بنابراین آموزش یکی از مراحل طراحی برنامه درسی است که از مقوله‌های مربوط به معلمان به شمار می‌آید. معنویت مورد نظر اسلام بر نگرش‌ها و حالاتی مبتنی است که حاصل برخی آموزش‌ها، فعالیت‌ها و آداب مذهبی یا مبتنی بر دین است. وقتی صحبت از معنویت می‌شود، باید از بحث تدریس فاصله گرفت و بر آموزش مفاهیم دین و معنویت در عمل نیز متوسل شد؛ زیرا اگر در این مسئله عامل نباشیم، تأثیر آن مخرب خواهد بود.

به نظر می‌رسد بهترین حمایت و کمک به مربی و مربی در فرایند برنامه‌ریزی درسی «معنویت» و «زندگی معنوی»، طراحی برنامه درسی تلفیقی است تا از این طریق، پیوند فطری مورد توجه قرار گیرد؛ به این صورت که در برنامه درسی تلفیقی، باید علایق و خواسته‌های دانش‌آموزان منعکس شود؛ یعنی معلمان و دانش‌آموزان در قالب برنامه درسی تلفیقی شخصاً به طراحی برنامه درسی بپردازند؛ زیرا آنان زمینه‌های آموزشی خود را بهتر از هر کس دیگری درک می‌کنند. ضرورت توجه به بُعد معنوی برنامه درسی اقتضا دارد که توجه دادن یادگیرنده به جنبه‌های فوق مادی و دنیوی حیات از جمله ویژگی‌های برجسته برنامه در نظر گرفته شود. این مهم به شیوه‌های گوناگون قابل اجراست. یادآوری حیات اخروی در محتوا، طراحی عکس‌ها، تصاویر و سایر موارد مشابه درباره مراکز و مکان‌های عبادی، معنوی در برنامه و... در تقویت ابعاد معنوی محتوا تأثیر دارند (قاسم‌پور دهاقانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰: ۸۷). در اجرای رویکرد تربیتی انتظار در کلاس درس دلالت‌های متعددی وجود دارند که در تحقق

اهداف آرمانی فلسفه انتظار باید اعتقاد راسخ به این امر و عامل بودن معلمان مورد توجه جدی قرار گیرد. اعتقاد به حضرت منجی، اموری مانند امیدبخشی، مراقبت دائمی، انتظار عالی، پاسداری از آیین الهی، مبارزه با انحرافات و تحریفات در عرصه دین ایجاد و به طور کلی، نقش یک قطب‌نمای الهی را ایفا می‌کند؛ قطب‌نمایی که در عصر ناامیدی، دوری از معنویت و سردرگمی انسان معاصر، امکان اتصال به منبع لایزال و الهی نورانیت و هدایت را فراهم می‌سازد (مرزوقی، ۱۳۸۷: ۱۳۱). در نهایت باید گفت بحث انتظار و مهدویت نباید تنها در دوس دینی و معارف اسلامی آموزش داده شود، بلکه این اصل باید در طرح درس تمامی علوم قابل تدریس تعبیه گردد، به طوری که بتوان یک انسان منتظر و باورمند به فلسفه انتظار تربیت کرد.

د) ارزشیابی برنامه درسی معنوی

در برنامه درسی، ارزشیابی شامل دو مفهوم اساسی است: «ارزشیابی پیشرفت تحصیلی» و «ارزشیابی برنامه درسی». آن چه در این جا مدنظر است، ارزشیابی برنامه درسی است که فرایند بررسی ارزش و شایستگی برنامه درسی است (طالبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۹-۱۱۰). روش‌های سنجش و ارزشیابی در این برنامه درسی، دغدغه‌ای دائمی است؛ چراکه اندازه‌گیری استاندارد شده‌ای در این برنامه درسی وجود ندارد. امروزه در مدارسی که معرف چنین فرهنگ برنامه درسی^۱ هستند، دانش‌آموزان با روش‌های متعددی مورد سنجش قرار می‌گیرند که اکثراً به صورت غیراستاندارد و بیشتر ذهنی هستند تا عینی (پاملا بلوتین، ۱۳۸۹: ۱۴۷). آن چه در ارزشیابی این برنامه درسی مدنظر قرار می‌گیرد نیز همین گونه خواهد بود.

با توجه به معنویت مورد نظر نگرش اسلامی - که تمرکز اصلی آن بر اصل توحید است - پاسخ‌گویی در محضر حق، معنای اساسی پاسخ‌گویی را شکل می‌دهد و دستیابی به این نوع پاسخ‌گویی از طریق همراهی با نشان‌گرها و معیارهای معرفی شده در باب معنویت است. به نظر می‌رسد راهبرد اصلی مناسب برای ارزشیابی در برنامه درسی معنوی، تلفیق روش‌های مربوط به رویکرد خودسنجی^۲ (محاسبه نفس) با الگوهای ارزشیابی معلم محور و فرایند محور به منظور اقدامات اصلاحی موردی برای بهبود فرایند تربیت است. از آن جا که فرایندهای تعاملی میان مربی و متربی در ارزشیابی تکوینی نیز به منظور اصلاح و تعدیل خودپنداره فراگیران، می‌تواند به تصحیح برداشت‌های متربی کمک کند، بسیار ثمربخش به نظر می‌رسد

۱. منظور از فرهنگ برنامه درسی، پرورش خویشتن یا معنویت است.

و در نتیجه می‌تواند مسیر رشد معنوی را به منظور دستیابی به شاخص‌های معنوی هموارتر سازد (قاسم‌پوردهاقانی و نصرافهانی، ۱۳۹۰: ۸۸). اما باید گفت برنامه‌دستی معنوی زمینه‌ساز - که تجلی انتظار سازنده را یدک می‌کشد - در خروجی‌های نظام آموزشی بیشتر نمود پیدا خواهد کرد، نه در یک سال و چند سال. آن‌گاه که فرد تربیت یافته در مکتب اسلام با رویکرد تربیتی فلسفه انتظار به جامعه بپیوندد، نتایج چندین ساله نظام تعلیم و تربیت تجلی خواهد یافت.

ارائه الگوی پیشنهادی

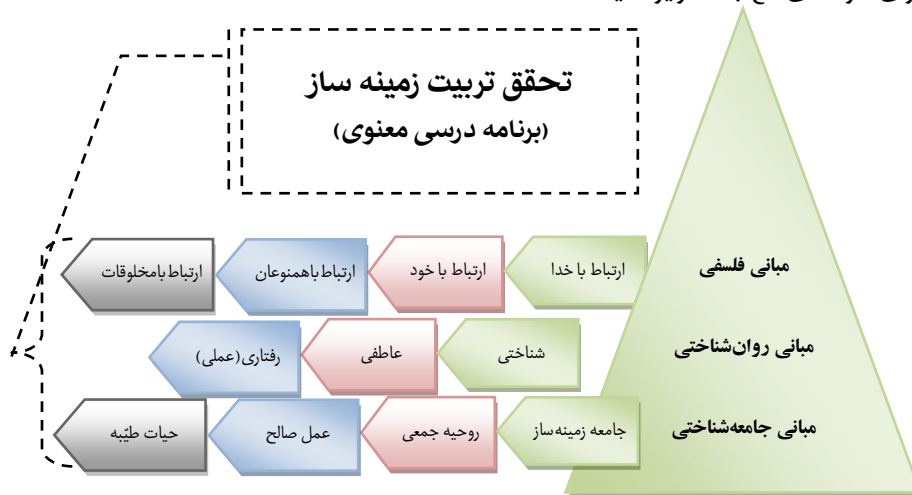
بنا بر اعتقاد مهرمحمدی (۱۳۸۱) طراحی برنامه‌دستی در دو سطح انجام می‌گیرد؛ ابتدا در سطح عام، عوامل اثرگذار بر برنامه‌دستی شناسایی می‌شود و سپس در سطح خاص و فنی عناصر طرح برنامه‌دستی، مشخص می‌گردند. در سطح عام، طرح یا الگوی برنامه‌دستی از نوع منبع یا منابع اطلاعاتی که برنامه‌ریز انتخاب می‌کند تأثیر می‌پذیرد. الگوی برنامه‌دستی معنوی نیز در سطح عام، متأثر از سه مبانی اولیه طراحی برنامه‌دستی یعنی مبانی فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در تربیت زمینه‌ساز است. همان‌گونه که در نتیجه‌گیری سؤال اول پژوهش مطرح شد، مبانی فلسفی ریشه در دیدگاه‌های کل‌گرایانه (فراطبیعت‌نگرانه) دارد. بنا بر اعتقاد مکتبی ما، نظام فلسفی چارچوبی کلی و منسجم از نگاه ما نسبت به عالم هستی (رابطه با خدا)، انسان (رابطه با خویشتن)، دیگران (رابطه با خلق خدا) و طبیعت (رابطه با جهان خلقت) در سایه توجه به عناصر تربیتی تعقل، ایمان، علم و عمل و اخلاق را فراهم می‌سازد که هر یک از این موارد به طور مستقیم برنامه‌های درسی معنوی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مبانی فلسفی، اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را همواره با این پرسش‌ها روبه‌رو می‌سازد: زندگی خوب (حیات طیبه) چیست؟ جامعه خوب کدام است؟ دانش مطلوب چیست؟ و ... این جنبه‌های اساسی به مربیان به‌ویژه برنامه‌ریزان درسی، بینشی روشن برای سازمان‌دهی اهداف، محتوا، روش‌ها و فعالیت‌های مدرسه‌ای ارائه می‌دهد.

مبانی روان‌شناختی - که ریشه در نظریات یادگیری جدید و روان‌شناسان تربیتی دارد - را می‌توان به دو دسته عوامل مؤثر بر یادگیری - مانند آمادگی، میل و رغبت، یادگیری و تمرین، فعالیت، تجربیات و زمان - و نظریه‌های یادگیری - مانند نظریه‌های یادگیری رفتاری، نظریه‌شناختی و نظریه یادگیری اجتماعی - تقسیم کرد. در مبانی روان‌شناختی از نظر اسلام، شخصیت آدمی نظام به هم پیوسته و یک‌پارچه‌ای متشکل از خرده‌نظام‌های شناختی،

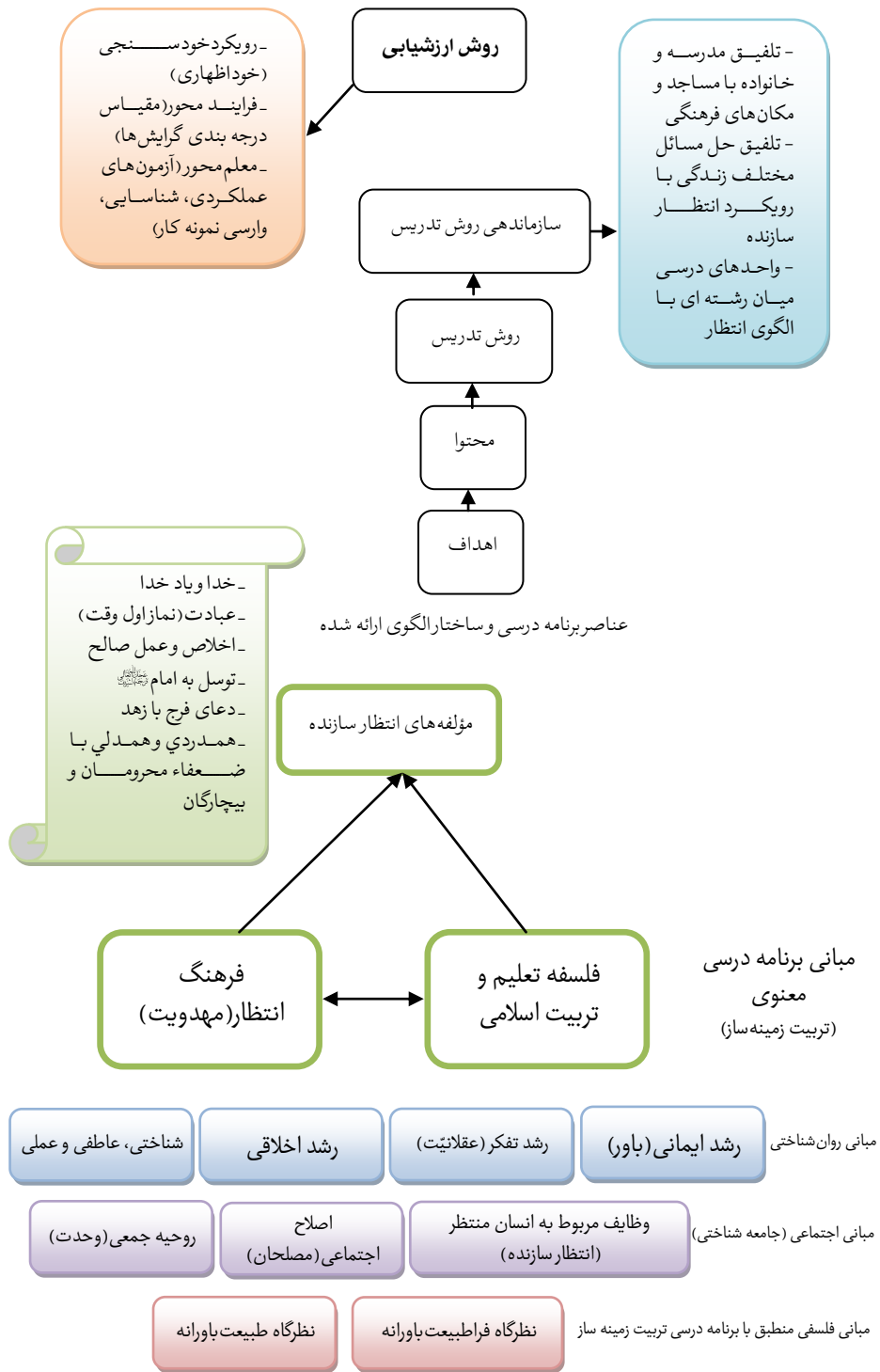
عاطفی، ایمانی، اخلاقی و تجارب عملکردی انسان است. این خرده‌نظام‌ها در تعامل با یکدیگر بوده و اسباب رشد شخصیت آدمی را فراهم می‌کند. متربی از زمان تولد تا لحظه مرگ در حال تغییر و دگرگونی است و در طول زندگی خود، از مراحل مختلف تغییرات جسمی، شناختی، عقلانی، عاطفی، ایمانی، اخلاقی و عملکردی عبور می‌کند. برنامه‌درسی زمینه‌ساز، باید ضمن لحاظ کردن این تغییرات، فرایند رشد متربی را در ابعاد مختلف تسهیل بخشد.

مبنای جامعه‌شناختی نیز - که ریشه در دیدگاه‌های جامعه‌شناسان تربیتی اسلام دارد - حقیقت انسان را روح او دانسته و کمال و جاودانگی آدمی را به کمال و بقای روح مربوط می‌داند که این انسان‌ها در نظام آفرینش از کرامت الهی و شأن یکسان برخوردارند. خداوند، انسان را بر فطرت پاک آفریده است و کفر، شرک، نفاق و دیگر ردائیل بر اثر نوع برخورد انسان با محیط، انتخاب نادرست و ارتباط غلط او با خود، خدا، خلق و خلقت بروی عارض می‌شود. در این مبانی، هدف آن خواهد بود که وظایف مربوط به منتظران، مصلحان اجتماعی و عوامل وحدت مسلمین شناسایی و در جامعه فراهم شود.

بنابراین با توجه به سه مبانی اولیه در طراحی برنامه‌درسی، لایه اول شکل‌گیری الگوی برنامه‌درسی تربیت زمینه‌ساز مبتنی بر دیدگاه‌ها و نظر فیلسوفان تربیتی اسلام دارد. مبانی اولیه و ضروری به دست آمده، به نوعی مطابقت با سه منبع شناسایی نیاز فرد، جامعه و کارشناسان موضوعات تربیتی دارد. نموداریک، این سه مبانی اولیه را همراه با مؤلفه‌های آن برای افراد ذی‌نفع به تصویر کشیده است:



نمودار ۱. چارچوب کلی الگوی برنامه‌درسی معنوی (تربیت زمینه‌ساز)



نمودار ۲. الگوی پیشنهادی برنامه درسی معنوی در راستای تحقق تربیت زمینه‌ساز

مؤلفه‌های تربیت زمینه‌ساز	اهداف	محتوا	نوع درس	روش تدریس	روش‌های ارزشیابی
توانایی شناخت معرفتی از امام زمان (عج) در یک جامعه منتظر	- درک ضرورت شناخت امام عصر (عج) - درک انتظار سازنده و فلسفه آن - کسب الگوی عملی و رفتاری یک منتظر واقعی - کسب درایت لازم در کنترل عواطف خرافی	اصول امام شناسی: - اصل ایمان - اصل غایت شناسی - اصل الگومداری - اصل خودشناسی - اصل محبت - اصل عقلانیت	(تلفیقی) همه دروس (در تمامی کلاس‌های درس)	- تفحص گروهی - بارش فکری - بازدید از مراکز زیارتی - کارگاهی - حل مسئله	- رویکرد خودسنجی - فرایند محوری - معلم محوری

نمودار ۳. نمونه‌ای از عناصر پیشنهادی برنامه درسی معنوی (تربیت زمینه‌ساز)

نتیجه

انسان امروزی در جهان، درگیر بحران‌های گوناگون شده است؛ بحران بی‌هویتی، بحران ارزش‌ها، بحران درانتخاب هدف، بحران در کلیت خویش، بحران در معرفت دینی و دین فهمی، و بالأخره بحران در آیین اخلاق و آداب انسانی. امروز انسان نیازمند فرهنگی است که بتواند بر اساس آن تعادل روانی خویش را - که برگرفته از ایمان الهی و شوق دینی و احساس عرفانی و تربیت معنوی است - به دست آورد. برنامه‌های درسی مختلفی در مدارس پیاده شده است، اما تاکنون نتوانسته حالات معنوی دانش‌آموزان را به گونه‌ای شایسته تکمیل نماید و خروجی‌های آموزش و پرورش همیشه مورد انتقاد صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بوده و هست. به‌رغم این که بُعد مهم وجود انسان، همواره معنویات بوده و در حال حاضر نیز کمتر به این امر در برنامه درسی توجه شده است، این برنامه‌ها نیز به جای به‌کارگیری رویکرد کل‌نگر و تلفیقی، بیشتر تک‌بُعدی بوده‌اند که نتوانسته‌اند فرزندان ما را به اهداف عالی (قرب الی الله) رهنمون کنند.

در پژوهش حاضر و پاسخ به پرسش‌های آن، محقق تا حدودی توانسته است به نتایج مورد نظر دست یابد. برنامه درسی معنوی (زمینه‌ساز) با اهدافی چون شناخت خدا، خود، هم‌نوعان و جهان هستی مبتنی است که نتیجه آن جز تبلور سبک زندگی (حیات طیبه) توأم با

اصول عشق به خدا و مذهب، عشق به زندگی و طبیعت نیست. بنابراین برنامه درسی معنوی، شامل عناصر اهداف، محتوا، اجرای آموزش و ارزشیابی است که بتواند حالات و نگرش‌ها یا به تعبیری نشان‌گرهای معنویت مورد تأیید قرآن را در انسان ایجاد کند و این حالات و نگرش‌ها جز در سایه توجه بر فرهنگ انتظار سازنده پدید نخواهد آمد؛ زیرا انسان با برنامه مهدوی خواهد توانست به قرب الهی نایل آید. برنامه درسی معنوی، برنامه‌ای تلفیقی است که هم با علایق و خواسته‌ها و نیازهای فراگیران در ارتباط است و هم مبانی نظری دینی مثل اصول و احکام و آداب دینی را دربرمی‌گیرد که در قالب الگو به متخصصان برنامه درسی کشور پیشنهاد می‌شود.

راهبردها و راهکارهای اجرایی

به لحاظ اهمیت مسئله یادشده در نظام تعلیم و تربیتی کشور (به دلایل برخی برون داده‌ها)، راهبردها و راهکارهای اجرایی این برنامه درسی پیشنهادی نیز شناسایی شده و در ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. اقدام‌های لازم برای تبدیل کردن الگوی پیشنهادی به برنامه درسی قابل اجرا، باید مطابق با برنامه درسی ملی تدوین شده، در راستای آن اقدامات تربیتی لازم نیز منظور گردد تا بتوان با تدوین دستورالعمل‌ها و ضوابط اجرایی و فراهم کردن تمهیدات لازم برای اجرای برنامه درسی پیشنهادی (برنامه درسی تربیت زمینه‌ساز) زندگی متریبان را سرشار از حس مسئولیت و همراه با انتظار سازنده رقم زد.

۲. در تدوین مواد آموزشی و متون درسی تمامی علوم، اولویت‌های مطرح شده در پژوهش حاضر مدنظر قرار گیرد و در این کتاب‌ها بر انسانی تأکید شود که در جامعه با انسانیت (معنویت) انسان‌ها سر و کار خواهند داشت، نه بر ضرر و زیان اقتصادی خویش.

۳. تربیت زمینه‌ساز به لحاظ اهمیت تکاملی آن برای انسان در صورتی اثربخش خواهد بود که از روش‌های تربیتی اسلامی استفاده شود و کاربرد آن در مدارس نیاز به زمان بیشتری نسبت به سایر برنامه‌های آموزشی خواهد داشت. بنابراین پیشنهاد می‌شود مدیران مدارس از افرادی با ویژگی‌های منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه انتخاب شوند؛ زیرا عامل بودن در این برنامه درسی، نهایت موفقیت اجرایی را در پی خواهد داشت.

منابع

- اشعری، زهرا، *بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی براساس آراء علامه طباطبایی* (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش)، تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ش.
- برزویی، محمد، *تربیت معنوی در صحیفه سجادیه* (پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، ۱۳۸۴ ش.
- برنامه درسی ملی، وبسایت وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۱ ش.
- بهشتی، محمد، «روش‌های تربیت معنوی»، *دوماه‌نامه اخلاق و تربیت خُلُق*، ش ۱۴، قم، مؤسسه فرهنگی دارالهدی، آذر و دی ۱۳۸۸ ش.
- بیاری، علی‌اکبر، *بررسی آسیب‌های مهدویت‌گرایی*، فصل‌نامه *مشرق موعود*، سال دوم، ش ۷، قم، مؤسسه آینده روشن، پاییز ۱۳۸۷ ش.
- پاملا بلوتین، جوزف و دیگران، *فرهنگ‌های برنامه‌درسی (نظریه‌ها)*، ترجمه: محمود مهرمحمدی و دیگران، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
- جمعی از نویسندگان، *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر: گفت‌وگوها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
- چراغ چشم، عباس، «آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس»، *کتاب نقد*، ش ۴۲، ۱۳۸۶ ش.
- حسین‌زاده، معصومه، *تربیت معنوی کودک* (پایان نامه)، مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان، نسخه الکترونیک: <http://www.hozehkh.com/Theses>، ۱۳۸۷ ش.
- دهقان، اکبر، *تربیت معنوی و عقلانی انسانی از دیدگاه قرآن کریم* (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی)، قم، مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم، ۱۳۷۱ ش.
- زارعان، محمدجواد، «تربیت دینی و لیبرال»، فصل‌نامه *معرفت*، ش ۱، صص ۳۱-۲۲، ۱۳۷۹ ش.
- سلحشوری، احمد، «حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *رهیافتی‌نودرمدبیریت آموزشی*، سال دوم، ش ۲، تابستان ۱۳۹۰ ش.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، آذر ۱۳۹۰ ش.
- طالبی، سعید؛ سعید مظلومیان؛ محمدحسن صیف، *اصول برنامه‌ریزی درسی*، تهران، دانشگاه پیام نور، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ش.

- قاسم پور دهقانی، علی؛ احمدرضا نصر اصفهانی، «رویکرد معنوی و برنامه‌ریزی درسی»، فصل‌نامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال نوزدهم، ش ۱۳، تهران، دانشگاه امام حسین علیه السلام، زمستان ۱۳۹۰ ش.
- قاسم پور دهقانی، علی؛ سید ابراهیم جعفری، «سازواری‌ها و ناسازواری‌های تلقین در تربیت دینی»، دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، سال چهارم، ش ۸، بهار و تابستان ۱۳۸۸ ش.
- کشاورز، سوسن، «اسلامی‌کردن برنامه آموزشی و تحصیلی»، مجله حوزه و دانشگاه، سال هشتم، ش ۳۲، پاییز ۱۳۸۱ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی، تهران، کتاب‌فروشی علمیه اسلامی، چاپ اول، بی تا.
- محمدی منفرد، بهروز، «معنای زندگی، نیهیلیسم و اندیشه مهدویت»، فصل‌نامه مشرق موعود، سال دوم، ش ۷، پاییز ۱۳۸۷ ش.
- مرزوقی، رحمت‌الله، «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس؛ رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار»، دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، سال سوم، ش ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۴ ش.
- ملکی، حسن، برنامه‌ریزی درسی راهنمای عمل، مشهد، نشر پیام اندیشه، ۱۳۸۲ ش.
- _____، مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش و متوسطه، تهران، انتشارات سمت، ویرایش اول، چاپ نهم، ۱۳۸۹ ش.
- مهرمحمدی، محمود، برنامه درسی، نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، مشهد، به‌نشر، ۱۳۸۱ ش.
- نوروزی، رضاعلی؛ راضیه بدیعیان، «الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تأکید بر سیره امام حسین علیه السلام»، فصل‌نامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، پیاپی ۳۳، زمستان ۱۳۸۸ ش.
- Bertrand, Y. , Contemporary Theories and Practice in Education. Madison, Wisconsin: Magna Publications, Inc, 1995.
- Hand, M., «the Meaning of Spiritual Education», Oxford Review of Education: Vol. 29, No .3, 2003.
- Meehan, C. , «Promoting Spiritual Development in the Curriculum». Pastoral Care in Education: An International Journal of Personal, Social and Emotional Development, 20:1, 16-24, 2002.

